

مادر همهٔ اصلاحات

من می‌خواهم خواهش کنم که حتماً مسألهٔ مبارزه با فساد را جدی بگیرید و دنبال کنید. این که ما دو، سه سال قبل گفتیم اصلاحات واقعی در کشور، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است، هر روز که می‌گذرد، اعتقاد بنده به این مسئله راسخ‌تر می‌شود. هیچ اصلاحی در کشور بدون پرداختن به این سه مقولهٔ اساسی و بنیانی ممکن نیست صورت گیرد؛ اینها مادر همهٔ اصلاحات است و باید بالاخره در کارها به این قضیه بپردازید.»<sup>(۱)</sup>

۲- شناسایی نقصها و ضعفها و اصلاح آنها

ما در نظام جمهوری اسلامی اهداف و مبانی و ارزشهایمان الهی است، لیکن ابزارها و روشها و انسائهایمان، مادی و بشری‌اند و آن اهداف الهی را هم مدقیقن، انبیا، معصومین و ملائکه نمی‌خواهند در جامعهٔ ما عمل کنند، بلکه همین انسانهای و آدمهای معمولی – که ملاحظه می‌کنید- می‌خواهند عمل کنند و آن اهداف والا و عالی را تحقق ببخشند. بنابراین، احتمال خطا

## پاسخگویی و اصلاح قوانین، لازمهٔ اصلاح حقیقی در کشور

و آسیب‌پذیری در همه‌جا وجود دارد. البته به‌خاطر همین خطاها هم است که آسیب‌پذیری‌ها به‌وجود می‌آید، لذا باید وظیفهٔ عمدهٔ همهٔ مسؤولان در بخشهای مختلف، این است که دائماً خود را رصد کنند؛ خطاهای خودشان را شناسایی کنند و آن خطاها را اصلاح کنند و از خطاهای گذشتهٔ خودشان عبرت بگیرند؛ ما همه به این کار موظفیم و باید از اشتباهاتی که کرده‌ایم، یا اشتباهاتی که دیگران کرده‌اند، عبرت بگیریم و با دقت و پیگیری، اشتباهات و خطاهای خودمان را پیدا کنیم و آنها را برطرف کنیم.»<sup>(۱)</sup>

اساس، اساس الهی است. البته نقصهایی وجود دارد، ضعفهایی وجود دارد؛ باید این ضعفها را جبران کرد و درست کرد و در صدد اصلاح برآمد. مثل این است که فرض بفرمایید یک قطاری بر روی یک ریلی قرار دارد و به سمت یک هدفی دارد حرکت می‌کند. در داخل این قطار، البته مسلم است کسانی به وظایفشان عمل می‌کنند، کسانی عمل نمی‌کنند، کسانی زمین را کثیف می‌کنند، اشغال جمع می‌کنند، کسانی مراقب وظایفشان هستند، کسانی نیستند؛ لیکن این قطار به سمت هدف دارد حرکت می‌کند و بلاشک به هدف خواهد رسید.»<sup>(۱)</sup>

۳- پاسخگویی و اصلاح قوانین کشور، لازمهٔ اصلاح حقیقی در کشور

پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه وجود داشته باشد. باید دستگاههای فرهنگی کشور – چه آنچه مربوط به دولت است، چه آنچه زیرمجموعه دولت نیست، مثل صدا و سیما- روشن کنند که در مقابل تهاجم گستردهٔ فرهنگی دشمنان چه تدابیری را برای اعتلا و بارور کردن فرهنگ اسلامی و انقلابی و عمومیت بخشیدن به نقاط برجستهٔ آن به‌کار بست‌اند. دستگاههای اقتصادی هم بیان کنند که برای بارور کردن اقتصاد کشور، پُر کردن شکاف طبقاتی، برطرف کردن فقر و محرومیت از طبقات محروم کشور، و آباد کردن این کشور چه تدابیر و قابل آبادی در همهٔ مناطق وسیع آن، چه تلاشی انجام داده‌اند. دستگاههای علمی کشور- که مدبران آن در دانشگاهها و حوزه‌های علمیهٔ کشورند- مشخص کنند که برای تولید علم، آزاداندیشی علمی و تضارب افکار – که ما از دانشگاه و حوزه این مسائل را مطالبه کردیم- چه تلاش و کار بزرگی را انجام داده‌اند؛ چقدر پیش رفت‌اند و چه کارهای دیگری را برای پیشانی انجام دهند. دستگاههای صنعتی و دستگاه‌کنشوری کشور هم توضیح دهند، دربارهٔ قضائیهٔ کشور توضیح دهد که برای احقاق حق مظلومان و برای این‌که مظلومان کشور حقیقتاً دربارهٔ قضائیه را ملجأ و مأوی خود بدانند و این پناه ببرند، چه تلاشها و کارهایی را انجام داده است. دربارهٔ مقننه که در وهلهٔ دوم وظیفهٔ عمدهٔ قانون‌گذاری و نظارت را برعهده دارد، مشخص کند که در امر قانون‌گذاری چه تلاشهایی را انجام داده تا قوانینی را بگذراند که برای تسهیل اصلاح حقیقی کشور لازم است؛ همچنین این قوهٔ مشخص کند که

از سالها پیش بنیادها و مؤسسات متعددی توسط سرویس‌های جاسوسی و دیگر نهادهای حکومتی کشورهای غربی به ویژه آمریکا به وجود آمده که طبق یک تقسیم کار سازمانی و متمرکز مأموریت‌های مختلفی را با هدف مشترک در اجرای پروژه کودتای مخملی به عهده گرفته‌اند. مهم‌ترین این مؤسسات و بنیادها عبارتند از: بنیاد سوروس، (OSI)، بنیاد راکفلر، بنیاد فورد، بنیاد جرمین مارشال فایند، خانه آزادی، شورای روابط خارجی آمریکا، انجمن سیاست خارجی آلمان و مرکز مطالعات دموکراسی انگلیس.

در تبیین بیشتر این موضوع لازم است به اظهارات یک جاسوس که هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد و با هدف ایفای نقش در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به ایران بازگشته بود، اشاره شود. وی می‌گوید: «در سفری که به اسرائیل داشتم با موسسه‌ای به‌نام ممری آشنا شدم که متعلق به کشور آمریکاست ولی در اسرائیل مستقر می‌باشد و کارش در زمینه مطالعات رسانه‌ای خاورمیانه است. تلاش این موسسه مبارزه با فعالیت‌های خدساراسرائیلی است که در دیگر کشورها صورت می‌گیرد. این موسسه پروژه‌ای را دنبال می‌کند که هدف آن حمایت از اصلاح‌طلبان دنیای اسلام از جمله ایران است. مسئول این پروژه یکی از افسران قدیمی اطلاعات ارتش اسرائیل است که من با او دیداری داشتم. او در این دیدار به من گفت: هدف ما این است که تفکراتی مانند تفکرات عبدالکریم سروش را در ایران پرورش و ترویج دهیم.»

اینجاست که می‌دهد: «یکی دیگر از مؤسسات فعال در حوزه ایران موسسه هلندی هیووس است که من ملاقات‌هایی هم با مسئولین این موسسه داشتم. این موسسه ارتباط خوبی با موسسات و NGOهای داخل ایران دارد و حتی مبلغ ۱۰ میلیون یورو در پایان ریاست‌جمهوری خاتمی در ایران هزینه کرده که برانندازی آن به جنبش زنان داده شده است. موسسه هیووس بوجه خود را از طریق رشوه از شرکت‌های نفتی هلندی که می‌خواهند از پرداخت مالیات فرار کنند، به دست می‌آورد.»

نامبرده در‌مورد نقش پایگاه رادیویی اروپای آزاد می‌گوید: «پایگاه رادیویی اروپای آزاد که مانند خیلی از موسسات برانندازی نرم‌از زمان جنگ سرد کار خود را آغاز کرده به سازمان سیا متصل است، زمان جنگ سرد آمریکایی‌ها برای اینکه به شوروی فشار بیاورند از پوشش‌های فرهنگی- سیاسی و رسانه‌ای و از نام‌های زیبایی چون دموکراسی، آزادی و حقوق بشر استفاده کردند و خیلی از موسساتی که در حال حاضر فعالیت می‌کنند در زمینه برانندازی نرم، بازمانده از آن زمان هستند که رادیو اروپای آزاد هم از این دسته است. بخش فارسی این رادیو به‌نام رادیو فردا فعالیت می‌کند.این رادیو پیشتر اعتراضاتی را که در ایران رخ می‌دهد پوشش می‌دهد و به شدت بزرگ‌نمایی می‌کند.»

این جاسوس در ادامه به یکی دیگر از موسسات برانندازی نرم به‌نام «برکن» اشاره می‌کند و می‌گوید:«پروژه گلوبال وویسز»Global Voices» یا همان صداهای جهانی زیر نظر مجموعه‌ای به‌نام مرکز برکن در دانشگاه هاروارد انجام می‌گیرد. این پروژه از سال ۲۰۰۴ آغاز شده و من در اولین جلسه آن در هاروارد شرکت کردم. هدف این پروژه تمرکز بر تمام بلاتجاهی دنیا به‌خصوص کشورهای مخالف آمریکا از جمله ایران است تا بتوانند به هدف خود که ایجاد جنگ روانی در این کشورها است برسند. منابع مالی این پروژه را بنیاد سوروس (OSI) تامین می‌کند که به اکثر موسسات غیردولتی در دنیا کمک مالی می‌دهد. هدف این پروژه هدف به‌نام «ورگمن» است، او یک آمریکایی است که قبلاً در بنیاد سوروس فعالیت داشته، او روی استفاده از اینترنت برای برانندازی نرم در کشورهای مختلف خیلی کار کرده و با نهادهای اطلاعاتی امنیتی آمریکا نیز رابطه دارد.»

در ادامه این می‌دهد: «مرکز برکن را شخصی به نام «جان پالفری» دارد که می‌کند که خودش مدعی بود دایی او کریمت روزولت کودتای ۲۸ مرداد را مدیریت کرده است.»

نامبرده در اشاره به نقش آمریکا در طرح برانندازی نرم می‌افزاید:



**اصلاحات و اصلاح طلبی انقلابی و آمریکایی**
«**از دیدگاه امام خمینی** <sup>(ع)</sup> و امام‌خامنه‌ای (مدظله)»

\* پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه وجود داشته باشد. باید دستگاههای فرهنگی کشور – چه آنچه مربوط به دولت است، چه آنچه زیرمجموعه دولت نیست، مثل صدا و سیما- روشن کنند که در مقابل تهاجم گستردهٔ فرهنگی دشمنان چه تدابیری را برای اعتلا و بارور کردن فرهنگ اسلامی و انقلابی و عمومیت بخشیدن به نقاط برجستهٔ آن به‌کار بسته‌اند. دستگاههای اقتصادی هم بیان کنند که برای بارور کردن اقتصاد کشور، پُر کردن شکاف طبقاتی، برطرف کردن فقر و محرومیت از طبقات محروم کشور، و آباد کردن این کشور پُرپرکت و قابل آبادی در همهٔ مناطق وسیع آن، چه تلاشی انجام داده‌اند.

## پاسخگویی و اصلاح قوانین، لازمهٔ اصلاح حقیقی در کشور

در داخل دولت، دیگر نیایستی از این موازی‌کاری‌ها به وجود بیاید. حالا یک مورد خاصی هست، اما کلی‌اش این است که موازی‌کاری خوب نیست.»<sup>(۱)</sup>

۵- تغییر و اصلاح در ساختار دستگاههای دولت

از جملهٔ خصوصیات دیگری که من یادداشت کرده‌ام در این‌جا بگویم، مسألهٔ روحیهٔ تحول‌گرایی و نوآوری و اصلاح است. همین‌طور که الان آقای رئیس‌جمهور گزارش دادند، تغییراتی که در ساخت عمومی تشکیلات دستگاه و دولت داده می‌شود، خیلی کارهای اساسی‌است. اصلاح هم واقعاً همیناست که انسان بیاید و در جهت صلاح، بخشهای مختلف را نگاه کند و ساختن را به‌طور اساسی تغییر بدهد و دگرگون کند.»<sup>(۱)</sup>

۶- اصلاح و شفاف‌سازی قواعد و قوانین و روشها

باید مقررات را شفاف کنند، راهها را کوتاه کنند، بیج و خهای اداری را کم کنند. این‌که اختیار یک فعالیت اقتصادی ناگهان بزرگد به یک مأموری که پشت فلان میز و در فلان اداره نشسته، که او بتواند بگوید آری یا نه، و سرنوشت یک کار را فراهم بکند، این بزرگ‌ترین ضربه است. این مأمور در معرض خطر است، در معرض لغزش است. باید کاری کرد که این، پیش نیاید. باید قواعد، قوانین و روشها اصلاح شود و براساس آنچه که در این‌جا هست، تغییر پیدا کند.»<sup>(۱)</sup>

۷- اصلاح نظام اداری و قضایی

تصحیح و اصلاح نظام اداری و قضایی تا رسیدن به وضعی که بتواند برنامه را در جهت هدفیاش به درستی اجرا کند، به وسیلهٔ کاستن از حجم، افزون‌بر تحرک و کارایی، به‌کارگیری مدیران لایق، امین و متعهد، تنظیم قوانین مورد نیاز، تعبیهٔ نظام نظارت و پیراستن از عیوب اخلاقی مانند کم‌کاری، رشوه‌خواری، بی‌تفاوتی در انجام وظایف و کاغذبازی در هر گوشهٔ میوب از آن.»<sup>(۱)</sup>

۸- اصلاح مبانی و ساختار اقتصادی

در زمینهٔ رف مشکلات معیشتی و مادی- همان‌طور که آقایان در این‌جا گزارش دادند - کارهای خوبی شده است، اما کافی نیست، چرا کافی نیست؟ زیرا برطرف کردن مشکل معیشتی از قشر کارگر و معلم و قشرهای دیگر، به اصلاح میان اقتصاد کشور بستگی دارد. فرض کنیم ما حقوق این انسان زحمتکش را بیست درصد یا چهل درصد اضافه کردیم، اما اگر تورم را مهار و ارزش پول ملی را تأمین نکرده‌یم، آن مقداری که او امسال از ما اضافه می‌گیرد، چنانچه از رشد و رویت قیمتهای پایین‌تر باشد، فایده‌ای برای او ندارد؛ پس ما برای او کاری نکرده‌ایم، بنابراین اساس کار آن‌جاست.»<sup>(۱)</sup>

۱۱۵ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۸۶/۰۶/۰۴.
۱۱۶ - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۲۰.
۱۱۷ - نامه به رئیس‌جمهور، ۱۳۷۸/۰۸/۲۳.
۱۱۸ - بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱۰/۲۹.



مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات و اعتراضات متهمان واقع پس از انتخابات

از بنیاد سوروس تا خانه آزادی

## این سازمان‌ها

### توسعه روابط صدام و آمریکا هم‌زمان با جنگ با ایران!

حذف نام عراق از لیست دولت‌های حامی تروریسم که نقطه آغازین برقراری روابط آمریکا با عراق بود، در زمانی صورت گرفت که ویلیام کیسی اقدام به سفر پنهانی به بغداد نمود.<sup>۱</sup>

هفته نامه نیویورک طی گزارشی به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۳ با عنوان «نگاهی به پیوندهای آمریکا و صدام در طول ۲۰ سال گذشته» می‌نویسد: «دونالد رامسفلد نیز همانند بسیاری از اعضای وزارت امور خارجه آمریکا می‌دانستند صدام آدمکنی است که از تروریست‌ها حمایت می‌کند و تلاش دارد تا به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد. اما در آن زمان، تگرانی عمده آمریکا، ایران بود نه عراق. لذا کارگزاران دولت ریگان بر آن بودند تا در عراق در جنگ خونباری که علیه ایران به راه انداخته بود، حمایت کنند.»<sup>۲</sup>

با حذف نام عراق از فهرست کشورهای حامی تروریسم، ممنوعیت صادرات آمریکا به عراق لغو شد.<sup>۳</sup>

تغییر چنین لیستی، عراق را واجد شرایط لازم برای خرید تجهیزات و تکنولوژی دو منظوره از ایالات متحده قرار داد که می‌توانست هم برای اهداف نظامی و هم غیرنظامی، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.<sup>۴</sup>

از سرگیری روابط دیپلماتیک با عراق:

روابط دیپلماتیک عراق و آمریکا از سال ۱۳۷۷ [ ظاهراً ۱ قطع گردیده بود. هنری کیسینجر وزیر امور خارجه وقت آمریکا در دسامبر ۱۹۷۵ ( آذر ۱۳۵۴ ) در دیدار با سعدون حمادی وزیر خارجه عراق، اعلام کرد:

« ما سفر نمی‌کنیم که عراق و آمریکا در زمینه منافع ملی شان اختلاف اساسی با یکدیگر داشته باشند. از طرف ما هیچ مانع اساسی برای عادی‌سازی روابط وجود ندارد. »<sup>۵</sup>

دو کشور از سال ۱۳۵۸ سطح تعاملات خود را که از طریق دفتر حفاظت منافع به انجام می‌رسید، گسترش داده بودند. این امر به بازسازی روابط دو کشور منجر گردید.<sup>۵</sup>

صدام چند سال بعد افشاء کرد که پیش از تجاوز عراق به ایران در سال ۱۳۵۹، آمریکا و عراق تصمیم به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک به صورت رسمی گرفته بودند.<sup>۶</sup>

صدام در دیدار با ۱۶ آوریل کلاسیسی سفیر آمریکا در بغداد، در شهریور ۱۳۶۹ اعتراف می‌کند که دو ماه پیش از آغاز جنگ، یعنی

در تیر ماه ۱۳۵۹، آمریکا قصد داشته که با عراق رابطه رسمی برقرار کند. وی می‌گوید:

« تصمیم به برقراری روابط با ایالات متحده در سال ۱۹۸۰ ( ۱۳۵۹ ) و دو ماه پیش از جنگ بین ما و ایران گرفته شده بود. اما با آغاز این جنگ و به منظور اجتناب از برداشتهای نادرست، ما امید به پایان یافتن سریع جنگ، برقراری آرسمی، روابط را به تعویق انداختیم.»<sup>۷</sup>

معنای عبارت فوق آن‌است که رؤسای دو کشور برای اینکه مشخص نشود عراق به نایب از آمریکا به ایران حمله کرده است، از علنی کردن روابط رسمی در آن مقطع خودداری کردند.

صدام در جای دیگر در همین زمینه می‌گوید:

«پیش از آنکه عراق در گیر جنگ با ایران شود، به بطور خیلی جدی با فرماندهان ارتش بی‌آرمون برقراری رابطه دوستانه با آمریکا صحبت کردم.»<sup>۸</sup>

\* «آمریکا برای طرح برانندازی نرم از تئوریسین‌های مختلف از جمله جین شارب که ۵۰ سال از عمر خود را در موسسه‌اش صرف کرده تا طرح استفاده از نقاط ضعف حکومت‌ها برای برانندازی نرم را شناسایی کند، استفاده می‌کند. در وب سایت این موسسه متون و روش مبارزه مسالمت‌آمیز شاید به ۲۰ الی ۳۰ زبان زنده دنیا آموزش داده شده است. البته این زبان‌ها آلمانی، فرانسوی و یا اسپانیایی نیست بلکه به زبان‌های برمه‌ای، چینی، عربی، فارسی و… است که آمریکا دوست دارد در کشورهایی که به این زبان‌ها گویش دارند انقلاب نرم صورت بگیرد.

مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات و اعتراضات متهمان واقع پس از انتخابات

از بنیاد سوروس تا خانه آزادی

## این سازمان‌ها

## به دنبال کودتای مخملی بودند

روش ثابت برای یارگیری در کمپین‌هاست. بعد از این مرحله سمبل و نماد گرافیکی و رنگی برای این نامزد انتخاب می‌کنند و شروع به آماده‌سازی افکار عمومی جهت رای دادن به نامزدشان می‌کنند. از طرف دیگر قبل از انتخابات خودشان را آماده می‌کنند تا اگر انتخابات را واگذار کردند شروع به تشکیک در انتخابات کنند و اعلام نمایند که تقلب صورت گرفته است و اصل مشروعیت حاکمیت را زیر سوال می‌برند و شروع به اعتصاب می‌کنند و در نهایت انتخابات را ابطال کرده و یا مجدد با نظارت ناظران خارجی انتخابات را برگزار می‌کنند که در نهایت نامزد مورد نظرشان پیروز می‌شود.» نامبرده ادامه می‌دهد: «این فرایند در کشورهای گرجستان، صربستان، اوکراین و کرواسی انجام شده و به نتیجه هم رسیده است. نکته قابل توجه اینکه همان متون آموزشی که در صربستان مورد استفاده قرار گرفته به فارسی ترجمه شده و با تغییرات کمی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است. این موارد بستگی به آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب جامعه دارد. مهمترین عوامل اجرایی این انقلاب جوانان هستند که سرمایه‌گذاری خوبی بر روی آنها صورت می‌گیرد. بر روی انرژی جوانان حساب می‌شود. زیرا آنان تنها افرادی هستند که ۲ تا ۳ ماه از زندگی خود را بدون پول، وقف انتخابات می‌کنند.» وی چنین می‌افزاید: «کودتای مخملی ایران خیلی شبیه انقلاب مخملی صربستان است، در آن کشور گروهی به نام اوت‌پور «OUTPOR» که گروهی دانشجوی بودند ابتدا شروع به عضوگیری کردند که شباهت زیادی به موج سبز در ایران داشت.

در حوزه آموزشی که بر روی سایت آلبرت اینشتاین قرار گرفته نکته‌ای به نام «موقعیت دشوار» وجود دارد که از مهم‌ترین روش‌های استراتژیک است و حکومت‌ها در در شرایطی قرار می‌دهند که نتوانند با معترضان برخورد کنند. در این نکته آمده که اعتراضات باید زیر پوشش عادت‌های مذهبی قرار بگیرد و حرکاتی مانند پیاده‌روی در خیابان را انجام دهد که هیچ دولتی نمی‌تواند از آن جلوگیری نماید. در انتهای این جزوه آموزش‌شناسانه به چند حلقه فیلم آموزشی شده که پیرامون انقلاب صربستان است و حتی فیلم‌ها به زبان فارسی دوبله شده و بر روی وب‌سایت‌ها قرار گرفته است.

صحنه ۶
دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۹۳
۵ ربیع‌الثانی ۱۴۲۶ – شماره ۲۰۹۸۰



روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۲۲-۱۳۹۲

در پاسخ به درخواست‌های مکرر صدام حسین مبنی بر توسعه روابط آمریکا و عراق، ریگان رئیس‌جمهور آمریکا، در ماه دسامبر ۱۹۸۲ ( آذر ۱۳۶۱ ) آمادگی خود را برای مبادله سفیر اعلام کرد و ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه را برای بررسی اوضاع عراق به بغداد فرستاد.<sup>۱</sup> یک سال بعد یعنی در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۲، دونالد رامسفلد وزیر دفاع سابق و فرستاده ویژه رونالد ریگان، وارد بغداد شد. وی حامل نامه دستنویسی از جانب ریگان بود که در آن رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد کرده بود روابط دیپلماتیک با عراق از سر گرفته شود و مناسبات نظامی و تجاری با بغداد توسعه یابد.<sup>۲</sup> در این رابطه، روزنامه انگلیسی گاردین در تاریخ ۷ آبان ۱۳۶۳ اشاره کرد که آمریکا در واقع یک سفارت بزرگ اما بدون تالوی رسمی، در بغداد دارد: «در یک سال گذشته، شواهدی از گرایش مخصوص آمریکا در حمایت از عراق وجود داشته است. بخش بزرگ حائفاً منافع آمریکا در بغداد، تحت پوشش سفارت بزرگ مشغول به کار

است که از یک سفارتخانه تمام عیار، فقط عنوان آن را ندارد.»<sup>۳</sup> در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۶۳، پس‌از

آنکه رونالد ریگان برای یک دوره چهار ساله دیگر به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد، صدام با ارسال تلگرافی به کاخ سفید، انتخاب مجدد ریگان به ریاست جمهوری آمریکا را تبریک گفت. در این تلگرام، صدام اظهار امیدواری کرد که انتخاب مجدد ریگان، منجر به برقراری روابط سوده‌مند و مثبت بین آمریکا و عراق شود. پیام تبریک صدام هم‌زمان با ورود ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه آمریکا به عراق، از رادیو بغداداد پخش شد.<sup>۴</sup>

در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۳ نیز ریگان رئیس‌جمهور آمریکا، با طراق عزیز وزیر خارجه عراق در کاخ سفید ملاقات کرد و روابط دو کشور رسماً از سر گرفته شد.<sup>۵</sup> به این ترتیب، مناسبات دیپلماتیک دو کشور در سطح سفیر دوباره برقرار شد. طارق عزیز پس از مذاکره با مقامات آمریکا، همسویی رژیم بعث با سیاست‌های آمریکا در منطقه را چنین بیان کرد: «من رسماً اعلام می‌کنم که عراق با برقراری روابط صلح آمیز میان اسرائیل و کشورهای عربی دیگر، مخالف نیست.»<sup>۶</sup>

خبرگزاری آلمان نیز از بیت المقدس گزارش داد که اسرائیل از قبل در جریان امور فوق بوده است: «اوی پاسر سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل، ضمن اینکه تجدید رابطه آمریکا با رژیم عراق را امری عادی خواند، دانش ساخت که اسرائیل از قبل در جریان عادی شدن این روابط قرار داشته است.»<sup>۷</sup> منابع در دفتر روزنامه موجود است

جزوه دیگری نیز وجود دارد که در مورد نحوه تسخیر مکان‌ها و ساختمان‌های حساس شهر است و در آن آموزش می‌دهد که گروه‌های معترض چگونه بتوانند مراکز مهم را تصرف کنند. لازم است در اینجا به نکته مهمی در محضر دادگاه اشاره نمایم و آن این است که فیلم آموزشی کودتای مخملی صربستان که به فارسی ترجمه گردیده توسط فردی به نام نادر صدیقی ویراستاری و با صدای وی روایت شده است. این فرد کسی است که اولین بار آقای کیان تاج‌بخش را به آقایان حجاریان و تاج‌زاده معرفی می‌نماید. آقای تاج‌بخش در مورد نقش آقای نادر صدیقی می‌گوید: «نقش آقای نادر صدیقی، اینکه چه کسی مرا به او معرفی کرده و او به سفارش چه کسی مسئول وصل من به آقای حجاریان و تاج‌زاده گردیده برابم گنگ است.» در حال حاضر نامبرده متواری می‌باشد.

این جاسوس بازداشت شده که بنا به دلایل امنیتی فعلا از اعلان نام وی معذوریم، معتقد است برانندازی نرم یا همان کودتای مخملی دارای سه بازوی فکری، رسانه‌ای و اجرایی است و تصریح می‌کند: «هر کدام از بازوهای کودتای مخملی از تعدادی از موسسات و بنیادهای آمریکایی ارتباط دارند و در واقع نوعی تقسیم کار صورت پذیرفته است.» او در این رابطه می‌گوید: «در مثلث برانندازی (بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی) هر کدام از موسسات آمریکایی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند که در ایران یک سری افراد با آنها همکاری دارند. مهمترین آنها موسسه‌ای است به نام «هوفر» که زیر نظر دانشگاه استنن فورد و در زمان جنگ سرد تشکیل شده است. این موسسه پروژه‌ای به نام «دموکراسی در ایران» را در دستور کار قرار داده که زیر نظر سه عنصر امنیتی به نام‌های: عباس میلانی، لری دایمند و مایکل مک فور اداره می‌شود. عباس میلانی در زمان محمدرضا پهلوی به دلیل فعالیت در گروه‌های چپ دستگیر می‌شود. او بعدها به یک سلطنت‌طلب دو آتیشه تبدیل پذیرفته است.»

او در این رابطه می‌گوید: «در مثلث برانندازی (بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی) هر کدام از موسسات آمریکایی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند که در ایران یک سری افراد با آنها همکاری دارند. مهمترین آنها موسسه‌ای است به نام «هوفر» که زیر نظر دانشگاه استنن فورد و در زمان جنگ سرد تشکیل شده است. این موسسه پروژه‌ای به نام «دموکراسی در ایران» را در دستور کار قرار داده که زیر نظر سه عنصر امنیتی به نام‌های: عباس میلانی، لری دایمند و مایکل مک فور اداره می‌شود. عباس میلانی در زمان محمدرضا پهلوی به دلیل فعالیت در گروه‌های چپ دستگیر می‌شود. او بعدها به یک سلطنت‌طلب دو آتیشه تبدیل پذیرفته است.»

او در این رابطه می‌گوید: «در مثلث برانندازی (بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی) هر کدام از موسسات آمریکایی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند که در ایران یک سری افراد با آنها همکاری دارند. مهمترین آنها موسسه‌ای است به نام «هوفر» که زیر نظر دانشگاه استنن فورد و در زمان جنگ سرد تشکیل شده است. این موسسه پروژه‌ای به نام «دموکراسی در ایران» را در دستور کار قرار داده که زیر نظر سه عنصر امنیتی به نام‌های: عباس میلانی، لری دایمند و مایکل مک فور اداره می‌شود. عباس میلانی در زمان محمدرضا پهلوی به دلیل فعالیت در گروه‌های چپ دستگیر می‌شود. او بعدها به یک سلطنت‌طلب دو آتیشه تبدیل پذیرفته است.»

او در این رابطه می‌گوید: «در مثلث برانندازی (بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی) هر کدام از موسسات آمریکایی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند که در ایران یک سری افراد با آنها همکاری دارند. مهمترین آنها موسسه‌ای است به نام «هوفر» که زیر نظر دانشگاه استنن فورد و در زمان جنگ سرد تشکیل شده است. این موسسه پروژه‌ای به نام «دموکراسی در ایران» را در دستور کار قرار داده که زیر نظر سه عنصر امنیتی به نام‌های: عباس میلانی، لری دایمند و مایکل مک فور اداره می‌شود. عباس میلانی در زمان محمدرضا پهلوی به دلیل فعالیت در گروه‌های چپ دستگیر می‌شود. او بعدها به یک سلطنت‌طلب دو آتیشه تبدیل پذیرفته است.»

او در این رابطه می‌گوید: «در مثلث برانندازی (بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی) هر کدام از موسسات آمریکایی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند که در ایران یک سری افراد با آنها همکاری دارند. مهمترین آنها موسسه‌ای است به نام «هوفر» که زیر نظر دانشگاه استنن فورد و در زمان جنگ سرد تشکیل شده است. این موسسه پروژه‌ای به نام «دموکراسی در ایران» را در دستور کار قرار داده که زیر نظر سه عنصر امنیتی به نام‌های: عباس میلانی، لری دایمند و مایکل مک فور اداره می‌شود. عباس میلانی در زمان محمدرضا پهلوی به دلیل فعالیت در گروه‌های چپ دستگیر می‌شود. او بعدها به یک سلطنت‌طلب دو آتیشه تبدیل پذیرفته است.»

او در این رابطه می‌گوید: «در مثلث برانندازی (بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی) هر کدام از موسسات آمریکایی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند که در ایران یک سری افراد با آنها همکاری دارند. مهمترین آنها موسسه‌ای است به نام «هوفر» که زیر نظر دانشگاه استنن فورد و در زمان جنگ سرد تشکیل شده است. این موسسه پروژه‌ای به نام «دموکراسی در ایران» را در دستور کار قرار داده که زیر نظر سه عنصر امنیتی به نام‌های: عباس میلانی، لری دایمند و مایکل مک فور اداره می‌شود. عباس میلانی در زمان محمدرضا پهلوی به دلیل فعالیت در گروه‌های چپ دستگیر می‌شود. او بعدها به یک سلطنت‌طلب دو آتیشه تبدیل پذیرفته است.»